

ذکر

ابوالفضل یغمایی

یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا^۱؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را یاد کنید، یادی فراوان.

مفهوم‌شناسی

ذکر به معنای یاد آوردن چیزی و بر زبان جاری کردن آن است.^۲ نیز گفته شده است که ذکر همان تذکر در برابر غفلت و فراموشی و اعم از تذکر به قلب و زبان است.^۳ آن واژه در معانی متعددی استعمال شده است. همچون احضار چیزی در ذهن، کتب انبیای پیشین، قرآن، نماز، محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ^۴ و... ولی ذکر خدا، یادآوری خدا در قلب یا در زبان است.

تفسیر آیه

ابن عباس از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل کرده که فرمود: کسی که از تیرگی شب و رنج و عذاب آن ناتوان می‌گردد و از پیکار با دشمن می‌ترسد و از انفاق و هزینه نمودن دارایی خویش در راه خدا بخل می‌ورزد بر اوست که بسیار خدا را یاد کند درباره یاد خدا در آیه دیدگاه یکسانی نیست. برخی ذکر را به همواره به یاد خدا بودن و هرگز فراموش نکردن او دانسته‌اند و برخی گفته‌اند: ذکر آن است که او را با زیباترین نام‌ها و برترین صفات بخوانیم و برخی دیگر همواره ستایش کردن خدا را ذکر دانسته‌اند.

۱. احزاب، ۴۱.

۲. ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، ص ۴۸.

۳. مصطفوی، التحقیق، ج ۳، ص ۲۹۷.

۴. راغب، مفردات، ص ۳۲۸.

در روایات آمده: هر کس سی بار ذکر «سبحان الله والحمد لله ولا إله إلا الله والله أكبر» را با اخلاص بگوید و به مفاهیم بلند آن دل سپارد، خدا را فراوان یاد کرده است. و از امام صادق علیه السلام رسیده که «هر کس تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را بگوید خدا را فراوان یاد کرده است». ^۱ یاد خداوند تنها با زبان نیست، بلکه در هر فکر، کار و حرکتی رضایت خداوند را در نظر داشتن است. ^۲

«الذین یذکرون الله قیاما وقعوداً...» ^۳ «واذکر ربک کثیراً...» ^۴ «واذکر ربک فی نفسک تضرعاً وخفیة...» ^۵ «واذکر اسم ربک بکرة وأصیلاً...» ^۶ و «وذاکر الله کثیراً...» ^۷ نمونه‌ای از توصیه‌های قرآن در ادای ذکر زیاد در مواقع گوناگون است.

پیام‌های آیه

۱. بهترین ذکر خدا، تسبیح و تنزیه اوست (اذکروا الله... وسیحوه).
۲. آغاز و پایان روز را با تسبیح و یاد خدا بگذرانیم (سیحوه و بکرة وأصیلاً).
۳. خطاب زیبا و محترمانه، وسیله جذب مردم و زمینه پذیرش آنان است (یا أیها الذین آمنوا...).
۴. یاد خداوند زمانی در انسان مؤثر است که مستمر و بسیار باشد (اذکروا الله ذکراً کثیراً). ^۸

ارزش ذکر

یاد خدا از ارزش‌های والایی است که کراراً در قرآن کریم بیان شده و سرچشمه همه خیرات و منبع جوشان همه خوبی‌هاست.

۱. طبرسی، مجمع البیان، ج ۷ و ۸، ص ۵۶۸.

۲. قرآنی، تفسیر نور، ج ۹، ص ۳۷۷.

۳. آل عمران، ۱۹۱.

۴. همان، ۴۱.

۵. اعراف، ۲۰۵.

۶. انسان، ۲۵.

۷. احزاب، ۲۱.

۸. قرآنی، تفسیر نور، ج ۹، ص ۳۷۸.

فضائل اخلاقی: ذکر / ۱۲۵

نفس را پاکی، دل را نورانیت و روح و جان را صفا و آرامش و به انسان عزت می‌بخشد.^۱ یاد خدا نعمتی بزرگ است که شایسته شکرگزاری است. امام سجّاد علیه السلام به خدا عرض می‌کند: «جریان ذکر تو بر زبان‌های ما و اجازه‌ای که به ما داده‌ای تا تو را خوانده، تنزیه کرده و تسبیح گوئیم، از بزرگ‌ترین نعمت‌هایت بر ماست».^۲ یاد خدا موجب می‌شود خداوند از ذاکر یاد کند.^۳ امام باقر علیه السلام فرمود: «در توراتی که تحریف نشده مکتوب است که حضرت موسی علیه السلام از پروردگار خود پرسید: پروردگار! آیا به من نزدیک هستی تا با تو آهسته راز گویم یا از من دوری تا صدایت کنم؟ خدای بزرگ به او وحی فرستاد: «یا موسی! انا جلیس من ذکرنی».^۴ امام علی علیه السلام فرمود: «هیچ هدایتی مانند ذکر خدا نیست».^۵ «یاد خدا نور عقل، حیات جان‌ها و جلا دهنده سینه‌هاست».^۶ در حدیث است که «هر کس در بازار هنگام غفلت مردم و کسب و کار آنها از روی اخلاص خدا را یاد کند، خداوند پاداشی برابر با هزار حسنه و کار نیک برایش نوشته، او را در روز قیامت به گونه‌ای بیامرزد که به قلب هیچ بشری خطور نمی‌کند».^۷ از این رو، در جای جای قرآن به ذکر خدا سفارش شده است.^۸ و آن را با اهمیت‌ترین و با فضیلت‌ترین اعمال دانسته است.^۹

آثار ذکر در روایات معصومان علیهم السلام

۱. برکت

امام صادق علیه السلام از قول پدر بزرگوارشان امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «خانه‌ای که در آن قرآن خوانده می‌شود و خدای بزرگ یاد می‌گردد برکتش زیاد شده، فرشتگان در آن جا حاضر می‌شوند».^{۱۰}

۱. قمی، مفاتیح الجنان، ص ۲۰۷، مناجات ذاکرین.

۲. «ومن أعظم النعم علينا جریان ذکرک علی ألسنتنا وإذنک لنا بدعانک وتنزیهک و تسبیحک» (قمی، مفاتیح الجنان، ص ۲۰۷، مناجات ذاکرین).

۳. بقره، ۱۵۲.

۴. «إن موسی بن عمران لما ناجی ربّه عزوجل قال یا ربّ أبعد أنت منی فأنا نادیک أم قریب فأنا ناجیک فأوحی الله جلّ جلاله انا جلیس من ذکرنی» (کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۶۰، باب ذکری که در هر مجلس واجب است).

۵. آمدی، غرر الحکم، ج ۲، ص ۸۳۰.

۶. للإمام علی (ع): «من ذکر الله سبحانه أحیا الله قلبه ونور عقله ولیّه» (آمدی، غرر الحکم، ج ۱، ص ۷۷).

۷. حجازی، ینابیع الحکم، ج ۲، ص ۴۰۵، ح ۲۶.

۸. انفال، ۴۷؛ احزاب، ۴۱؛ بقره، ۱۵۲، ۱۹۸، ۲۰۳ و ...

۹. محققان، فرهنگ قرآن، ص ۲۵۴، «ذکر»، به نقل از: مجمع‌البیان، ج ۷ و ۸، ص ۴۴۸.

۱۰. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۶۱.

۲. دل روشنی

امام علی علیه السلام فرمود: «فی الذکر حیاة القلوب»؛^۱ یاد خدا آرام‌بخش خرد و روشن‌گر دل است.

۳. حیات جان

امام علی علیه السلام فرمود: «من ذکر الله سبحانه أحیا الله قلبه ونور عقله ولبّه»؛^۲ یاد خدا، نور عقل و حیات جان‌هاست.

۴. کسب روزی

امام علی علیه السلام فرمود: «ماندن در مسجد و خدا را یاد کردن از سپیده‌دم تا بیرون آمدن آفتاب، سریع‌تر از مسافرت در اطراف زمین، امر روزی را آسان می‌سازد».^۳

۵. پاداش زیاد

امام علی علیه السلام فرمود: «در بازار هنگام (غفلت مردم) و کسب و کار آنها از روی اخلاص خدا را زیاد یاد کنید؛ زیرا آن کفار گناهان و موجب زیادی حسنات می‌شود و نام شما از غافلان نوشته نمی‌شود».^۴

قساوت قلب اثر ترک ذکر

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «خدای بزرگ به حضرت موسی علیه السلام وحی فرستاد که ای موسی! به زیادی مال شاد مباش و یاد مرا در هیچ حالی رها نکن؛ زیرا فرونی مال گناهان را از یاد می‌برد و رها ساختن ذکر و یاد من، دل‌ها را به قساوت می‌کشاند».^۵

مراتب ذکر

۱. ذکر زبانی

یاد خدا دارای درجات و مراتبی است که به اعتبار آن از فضیلت و ارزش متفاوتی برخوردار خواهد بود.

۱. آمدی، غرر الحکم، ج ۱، ص ۷۷.

۲. همان، ص ۸۷.

۳. همان، ص ۹۹.

۴. «أكثرنا ذكر الله عزوجل إذا دخلتم الأسواق عند اشتغال الناس فإنه كفارة للذنوب وزيادة في الحسنات ولا تكتبوا في الغافلين» (حجازی، ینایع الحکمه، ج ۲، ص ۴۰۵).

۵. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۶۰.

فضائل اخلاقی: ذکر / ۱۲۲

مشغول داشتن زبان به ذکر خدا را می‌توان نخستین مرحله از مراحل بهره‌مندی از این نعمت بزرگ دانست که به صورت‌های مختلف همچون تسبیح، تنزیه، حمد و ثناء، تکبیر و تعظیم، شکرگزاری، دعا، استغفار، و درخواست حاجت ظهور می‌یابد.

این مرحله که خود زمینه‌ساز فکر، و راه‌گشای ذکر قلبی است و به منزله بنزین موتور حرکت سالک در مسیر کمال به حساب می‌آید، چنانچه با آداب و شرایط آن همراه باشد از بهترین عبادات شمرده شده، و آیات و روایات فراوانی که به حدّ تواتر می‌رسد، در فضیلت آن وارد گشته است.^۱

۲. ذکر قلبی

این مرتبه از ذکر نیز بسیار ارزشمند بوده و آن‌چنان که از آیات قرآنی و احادیث استفاده می‌شود، دارای فضیلتی بس عظیم می‌باشد و منظور از آن در مرحله نخست توجه نمودن به خدای متعال در هنگام گناه، و او را حاضر و ناظر دانستن است، به‌گونه‌ای که انسان را از گناه بازدارد؛ برای نمونه، هنگامی که اسباب گناه فراهم شد و شیطان می‌کوشد آدمی را به ارتکاب آن وا دارد، چنانچه با استمداد از قدرت ایمان و روح تقوا، به خود نهیب دهد و در نظر آورد که خدای متعال حاضر است و در همه حال او را می‌بیند؛ همین تذکر و نهیب ایمانی بین او و معصیت حائل گشته، او را از آلوده شدن به آن گناه بازمی‌دارد. خدای متعال می‌فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ^۲

به راستی پرهیزکاران هنگامی که گرفتار وسوسه‌های شیطان شوند متذکر گشته، ناگهان بینا می‌گردند.

۳. حضور دائمی

مقصود از این مرحله مرتبه بالای ذکر قلبی و برترین نوع ذکر است که جز برای اولیای خدا و کملین مؤمنان حاصل نمی‌گردد. حضور دائمی به معنای آن است که انسان در همه حالات در خلال کسب و کار، هنگام گفت‌وگو با مردم، در وقت خوردن و آشامیدن و همه اوقات زندگی، خدای متعال را قلباً یاد کرده، با یاد اقدسش مأنوس بوده، و آنی از او - جلّ و علا - غفلت نرزد.

۱. به عنوان نمونه از روایاتی که در فضیلت ذکر شریف «لا إله إلا الله»، تسبیح، حمد، تکبیر، استغفار و تسبیح حضرت زهرا(س) وارد شده می‌توان نام برد.

۲. اعراف، ۲۰۱.

خدای متعال می‌فرماید:

رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ...^۱

مردانی که آنان را نه تجارت و نه هیچ داد و ستدی از یاد خدا غافل نمی‌سازد. آنان در عین تلاش و فعالیت، هرگز از یاد خداوند غافل نگشته، کار و کوشش و فعالیتشان همواره تحت‌الشعاع یاد خدا و ذکر اوست. یاد خدا دیدگان آنان را روشن و دل‌هایشان را منور گردانیده، همه چیز را از صفحه فکر و قلبشان ناپدید ساخته است. گویا جز با یاد و نام او آشنا نیستند و جز کلام او گوش آنان را نوازش نمی‌دهد. دنیا را پشت سر گذارده، پای بر عرصه آخرت نهاده‌اند. آنچه را که دیگران نمی‌بینند آنها می‌بینند و گوش جانشان با آنچه که سایر مردم نمی‌شنوند آشناست.

چند پرسش و پاسخ

۱. چه کنیم که خدا به یاد ما باشد؟

پاسخ آن است که ما باید خدا را یاد کنیم تا خدا نیز به یاد ما باشد (فاذکرونی أذکرکم).^۲

۲. وقت ذکر چه موقع است؟

پاسخ آن است که هر چیزی وقتی دارد ولی ذکر خدا وقت ندارد. همیشه و در هر حال می‌توان خدا را یاد کرد (الذین یذکرون الله قیاماً و قعوداً و علی جنوبهم...).^۳ بلی گاهی اوقات مناسب‌تر است؛ مانند صبح و شام^۴ و وقت سحر.

دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند	واندران ظلمت شب آب حیاتم دادند
چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی	آن شب قدر که این تازه براتم دادند ^۵

۱. نور، ۳۷.

۲. بقره، ۱۴۸.

۳. آل عمران، ۱۸۹.

۴. همان، ۳۷.

۵. حافظ، دیوان حافظ، ص ۶۷.

۳. چه قدر ذکر بگوییم؟

پاسخ آن است که هر چیز اندازه و مقدار دارد، اما ذکر خدا اندازه ندارد، هرچه خواستید ذکر بگویید (یا أیها الذین آمنوا اذکروا الله ذکراً کثیراً).^۱

۴. چرا ما خدا را یاد می‌کنیم و از او درخواست می‌نماییم، ولی او به ما پاسخ

نمی‌دهد؟

پاسخ این است که هر که خدا را یاد کند، خدا او را یاد می‌کند و هر که از خدا درخواست کند و دعا نماید، خدا اجابت می‌کند، ولی گاهی اجابت فوری نیست، گاهی به‌جای مورد درخواست چیز مناسب‌تری داده می‌شود و گاهی جواب را گرفته‌ایم و توجه نداریم. شیطان همین پرسش را از مردی که ذکر خدا می‌گفت پرسید و او دل شکسته شد و ذکر را رها کرد و در خواب حقیقت را به او گفتند:

تا که شیرین گردد از ذکرش لبی
چند گویی آخر ای بسیار گوی
چند الله میزنی با روی سخت
دید در خواب او خضر را در خضر
چون پشیمانی از آن کش خوانده‌ای
زان همی ترسم که باشم ردّ باب
که برو با او بگو ای ممتحن
آن نیاز و سوز و دردت پیک ماست
نی که مشغول ذکررت کرده‌ام؟
جذب ما بود و گشاد آن پای تو
زیر هر یارب تو لبتیک ماست^۲

آن یکی الله می‌گفتی شبی
گفت شیطانش خمش ای سخت روی
می‌نیاید یک جواب از پیش تخت
او شکسته‌دل شد و بنهاد سر
گفت همین از ذکر چون وامانده‌ای
گفت لبیکم نمی‌آید جواب
گفت خضرش که خدا گفت این بمن
نی که آن الله تو لبتیک ماست؟
نی تو را در کار من آورده‌ام؟
حیله‌ها و چاره‌جویی‌های تو
ترس و عشق تو کمند و پیک ماست

۱. احزاب، ۴۱.

۲. مولوی، مثنوی، ص ۳۱۱.

آثار ذکر در قرآن

آرامش دل‌ها،^۱ اجتناب از گزافه‌گویی،^۲ بصیرت،^۳ پیروزی،^۴ تأمین منافع،^۵ حیات دل،^۶ خروج از حزب شیطان،^۷ جلب رحمت خدا،^۸ رستگاری،^۹ نورانیت،^{۱۰} هدایت^{۱۱} و مانع از انجام فحشا^{۱۲} و بعضی از آثار ذکر در قرآن هستند.

موانع ذکر در قرآن

۱. آلات لهو و لعب،^{۱۳} ۲. دل‌بستگی به اموال،^{۱۴} ۳. دل‌بستگی به اولاد،^{۱۵} ۴. اقدام خیانت‌کاران،^{۱۶} ۵. دوستان ناباب،^{۱۷} ۶. شیطان،^{۱۸} ۷. رذایل اخلاقی چون کینه،^{۱۹} ۸. شراب و قمار،^{۲۰} ۹. قساوت قلب،^{۲۱} ۱۰. سستی و کاهلی،^{۲۲} ۱۱. کفر،^{۲۳} ۱۲. نفاق.^{۲۴}

-
۱. رعد، ۲۸.
 ۲. شعراء، ۲۲۴ - ۲۲۷.
 ۳. اعراف، ۲۰۱.
 ۴. انفال، ۴۵.
 ۵. جمعه، ۹.
 ۶. حدید، ۱۶ - ۱۷.
 ۷. مجادله، ۱۹.
 ۸. احزاب، ۴۱ و ۴۳.
 ۹. اعلیٰ، ۱۴ - ۱۵.
 ۱۰. نور، ۳۵ - ۳۶.
 ۱۱. رعد، ۲۷ - ۲۸.
 ۱۲. عنکبوت، ۴۵.
 ۱۳. جمعه، ۹ و ۱۱.
 ۱۴. منافقون، ۹.
 ۱۵. همان.
 ۱۶. حج، ۳۸ و ۴۰.
 ۱۷. فرقان، ۲۹.
 ۱۸. مائده، ۹۱.
 ۱۹. همان.
 ۲۰. همان.
 ۲۱. زمر، ۲۲.
 ۲۲. نساء، ۱۴۲.
 ۲۳. کهف، ۱۰۰ - ۱۰۱.
 ۲۴. نساء، ۱۴۲.

حکایت

۱. پرندهٔ ذاکر

انس بن مالک می‌گوید: همراه پیامبر ﷺ به بیابان رفتیم، پرنده‌ای را در آن‌جا دیدیم که آواز مخصوص از او شنیده می‌شد. پیامبر ﷺ به من فرمود: «آیا می‌دانی این پرنده چه می‌گوید؟» عرض کردم: خدا و رسولش آگاه‌تر است. فرمود: «می‌گوید: «یا ربّ اذهب بصری و خلقتنی اعمی فارزقنی فانی جائع»؛ یعنی خداوندا! نور چشمم را از من گرفتی و مرا کور آفریدی، روزی مرا به من برسان که من گرسنه‌ام.

ناگهان دیدیم پرندهٔ دیگری که ملخ بود پروازکنان آمد و در دهان او نشست و آن پرندهٔ کور، ملخ را بلعید. در این هنگام آواز پرنده بلند شد. پیامبر ﷺ به من فرمود: «آیا می‌دانی این پرنده چه می‌گوید؟» عرض کردم: خدا و رسولش آگاه‌تر است، فرمود: می‌گوید: «الحمد لله الذی لم ینس من ذکره»؛ حمد و سپاس خداوندی را که یاد آورنده‌اش را فراموش نمی‌کند. و به نقل دیگر فرمود: من توکل علی الله کفاه.^۱

۲. درمان با نام خدا

حضرت موسی علیه السلام بیمار شد و درد شکمش سخت گردید. پس به درگاه خدای تعالی نالید، خدا او را به گیاهی در صحرا راهنمایی کرد، از آن خورد و به امر خدا عافیت یافت. سپس در وقت دیگری بیماری او عودت کرد، باز از آن گیاه خورد، ولی خوب نشد و بیماری‌اش افزون‌تر شد. پس گفت: پروردگارا! بار اول از آن گیاه خوردم فایده بردم، ولی این بار خوردم بیمارتر شدم. خدا فرمود: برای این که بار اول از پیش من به سراغ گیاه رفتی، مرا یاد کردی و از من خواستی، ولی بار دوم از پیش خودت رفتی آیا ندانسته‌ای که دنیا همه زهر کشنده است و پادزهر آن نام من است؟^۲

۳. قصهٔ بشر حافی

قصهٔ توبه بشر حافی از کبار صالحان و صوفیان چنین بود که یک روز مست می‌رفت. در راه کاغذی دید افتاده و بر آن «بسم الله الرحمن الرحیم» نوشته. فوری بوی خوش خرید و آن کاغذ را معطر گردانید و بوسید و بر دیده‌ها مالید و به تعظیم تمام، جایی بنهاد. آن شب بزرگی به

۱. میرخلف‌زاده، داستان‌هایی از خدا، ج ۱، ص ۶۷.

۲. یغمائی، تفسیر رحمت، ج ۱، ص ۴۰.

خواب دید که گفتند: برو و بشر را بگوی: «نام ما را پاک و طیب کردی، پس ما تو را پاک می‌کنیم، اسم ما را بزرگ داشتی و پاک و طاهر کردی، پس به عزت خود قسم، که نام تو را در دنیا و آخرت پاک می‌کنم». آن بزرگ مرد گفت: بشر مردی فاسق است من حتماً اشتباه می‌کنم، وضو گرفت و نماز خواند و خوابید. دوباره در خواب همین خطاب را شنید تا بار سوم. بامداد برخاست. وی را طلب کرد، گفتند: به مجلس شراب است، بر در شراب‌خانه رفت و او مست بود، گفت: بشر را بگویند که به تو پیغامی دارم. بشر گفت: بروید بگویند: پیغام از که دارد؟ گفت: پیغام خدا. بشر گریان شد و گفت: او با من عتابی دارد؟ شیخ گفت: نه. گفت: پس باش تا یاران را بگویم. پیش یاران درآمد و گفت: ای یاران! ما را خواندند، رفتیم و شما را بدرود کردیم؛ و دیگر هرگز ما را در این کار نخواهید یافت.^۱

۴. داستان رابعه

رابعه از زنان عارف و زاهد سال دوم هجری که در عرفان و زهد پیشوا و راهنمای مردان بزرگ بود. شبی را در تهجد و نماز گذرانید. چون صبح شد خوابید، دزد به خانه او آمد و لباس‌ها و وسایل او را گرفت و خواست که از در خارج شود، ولی درب را پیدا نمی‌کرد. وسایل را به زمین گذاشت، درب خروج را پیدا کرد. خواست که ائاثیه را ببرد درب را گم کرد و این کار تا سه بار انجام شد. در این هنگام از گوشه خانه آوازی آمد که، پارچه را به زمین بگذار و بیرون شو، زیرا اگر دوست را خواب در رباید، سلطان بیدار باشد.^۲ تو خدا را یاد کن خدا تو را یاد می‌کند (فاذکرونی اذکرکم).^۳

۱. همان، ص ۴۱.

۲. همان، ص ۴۲.

۳. بقره، ۱۵۲.